

جغرافیای تاریخی شهر شاپورخواست از قرن ۳ تا ۸ ه.ق*

دکتر فیروز مهجور
استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران
مهتاب اسلامی نسب
دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

شهر خرم‌آباد، مرکز استان لرستان، در دره‌ای میان سلسله کوه‌های زاگرس غربی قرار گرفته است. بر اساس منابع مکتوب و داده‌های حاصل از فعالیت‌های باستان‌شناختی، این منطقه، از دوره ساسانی تا قرون شش و هفت هجری قمری، به نام شهر شاپورخواست، مشهور بوده است. شهر شاپورخواست، در دوران اسلامی به‌خصوص قرن ۴ ه.ق که به عنوان مرکزیت سلسله آل حسنویه قرار می‌گیرد، اهمیت و اعتبار فراوانی می‌یابد. اهمیت این شهر در دوران اسلامی به حدی بوده که در بسیاری از متون قرون سه تا هشت هجری قمری، نام این شهر در کنار نام مهم‌ترین شهرهای ساسانیان ذکر شده است. مدارک و شواهد باستان‌شناختی مکشوف در اطراف و درون شهر خرم‌آباد نیز، مؤید این مطلب است.

بقایای شاپورخواست در بخش‌های جنوبی و جنوب شرقی خرم‌آباد، به‌خصوص در زیر محله قاضی‌آباد و اطراف مناره آجری یافت شده است. شیوه بررسی در این پژوهش، مطالعه منابع مکتوب؛ به‌ویژه متون تاریخی و جغرافیایی کهن و بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی می‌باشد. در این مقاله هدف بر این است که به بررسی جغرافیای تاریخی و مکان‌یابی شهر شاپورخواست، با تکیه بر متون کهن و بقایای باستان‌شناختی مرتبط با این شهر پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: شاپورخواست، متون کهن، بقایای باستان‌شناختی، جغرافیای تاریخی، دوران اسلامی، خرم‌آباد.

۱- مقدمه

خرم آباد دارای موقعیت 48° و $21'$ الی 48° و $23'$ طول شرقی و 33° و $27'$ الی 33° و $33'$ عرض شمالی، با پهنه‌ای در حدود ۳۵ کیلومتر مربع است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۱۷۱ متر و مساحت آن در حدود ۶۲۳۳ کیلومتر مربع است (جعفری، بی تا: ۸؛ رشیدیان، ۱۳۸۱: ۱۴).

خرم آباد که از سابقه‌ای کهن برخوردار است، تا پیش از قرون ۶ و ۷ ه.ق، زیر نام شهر شاپورخواست، در این منطقه حیات داشته است. پیشینه شهر شاپورخواست، به روزگار ساسانیان می‌رسد که براساس متون تاریخی و جغرافیایی کهن و با توجه به مختصر آثار باستان‌شناختی مکشوف در بخش‌های جنوب شرقی شهر امروزی خرم آباد، حیات آنتا قرن هشتم ه.ق ادامه داشته است. شهر شاپورخواست، به احتمال در قرن هشتم ه.ق به دلایل نامعلوم از رونق می‌افتد و هسته اولیه شهر خرم آباد در شمال غرب آن؛ یعنی در غرب و شمال غرب قلعه فلک الافلاک شکل می‌گیرد.

۱-۱- بیان مسئله

محوطه‌ها و مناطق گوناگون دره خرم آباد، به علت برخوردار بودن از وضعیت اقلیمی مناسب و منابع طبیعی آب، که از ضروریات هر استقراری می‌باشد، حداقل از دوره پارینه سنگی میانه، دارای استقرار انسانی بوده و برخی از آنها برخوردار از چند دوره فرهنگی می‌باشند. به گواهی آثار فراوان و محوطه‌های متعدد تاریخی - فرهنگی برجای مانده، برخی از استقرارهای مذکور، طولانی مدت بوده و در دوره‌های تاریخی و اسلامی و حتی تا عصر کنونی استمرار یافته‌اند.

یکی از مهمترین استقرارهای دره خرم آباد، که در دوره ساسانی شکل می‌گیرد و تا بعد از اواسط دوران اسلامی استمرار پیدا می‌کند، شهر «شاپورخواست» است، که به علت اهمیت ویژه، بررسی جغرافیای تاریخی آن، موضوع این مقاله است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

از جمله مطالعاتی که تاکنون در این منطقه به انجام رسیده، بدین شرح می‌باشند: در دهه ۱۳۵۰ ه.ش، حمید ایزدپناه با هدف معرفی آثار فرهنگی لرستان فعالیت‌هایی را آغاز نمود و اقدام به انتشار دو جلد کتاب کرد که اطلاعات اولیه و

بنیادینی را در اختیار قرار می‌دهد. میرعابدین کابلی (باستان‌شناس پیشکسوت سازمان میراث فرهنگی کشور، به عنوان سرپرست کاوش) در طی سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۳ در تپه‌های ماسور و جلدان واقع در جنوب شهر خرم‌آباد، اقدام به گمانه‌زنی نمود. بررسی‌هایی سطحی از دره خرم‌آباد نیز، به وسیله هیئت باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی لرستان، با هدف شناسایی سطحی و مقدماتی تپه‌ها و معرفی غارهای دره خرم‌آباد و به منظور شناخت بستر قلعه فلک‌الافلاک انجام شد که گزارش آن در سال ۱۳۷۹ در دو مجلد تهیه شد و اکنون در مرکز اسناد میراث فرهنگی لرستان نگهداری می‌شود. این گزارش، حاوی اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با شاپورخواست است. همچنین طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به منظور شناخت بقایای شهر شاپورخواست، جلال عادل (کارشناس باستان‌شناسی اداره کلی میراث فرهنگی استان لرستان و سرپرست کاوش‌های شهر شاپورخواست) در پیرامون مناره آجری خرم‌آباد اقدام به کاوش نمود که منجر به کشف آثاری از اواخر دوران تاریخی و اوایل دوران اسلامی شد، که به نظر وی، مربوط به شهر تاریخی - اسلامی شاپورخواست است. علی سجادی نیز، در محوطه بیرونی و فضای داخلی قلعه فلک‌الافلاک، اقدام به گمانه‌زنی نمود و در سال ۱۳۸۷ نیز، طی یک فصل بررسی فشرده و تکمیلی به وسیله احمد پرویز در دره خرم‌آباد، محوطه‌های بسیاری از دوره‌های مختلف شناسایی شد.

از جمله پژوهشگران غیرایرانی، که دره خرم‌آباد را مورد مطالعه قرار داده‌اند عبارتند از: سرهنری راولینسون که در سال ۱۸۳۶ م. از آن دره بازدید به عمل آورد و پیشنهاد نمود که خرم‌آباد می‌تواند در جای شاپورخواست مکان‌یابی گردد. ژاک ژان دومرگان نیز، در سال ۱۸۹۵ م. این منطقه را مورد بررسی قرار داد. خرم‌آباد در سده بیستم میلادی، بیشتر مورد توجه باستان‌شناسان خارجی قرار گرفت؛ به طوری که ارنست هرتسفلد در سال ۱۹۲۹ م. اطلاعات مفیدی راجع به کتیبه سنگی و پل خرم‌آباد منتشر نمود و کالر گاف، در سال ۱۹۶۱ م، فرانک هول و کنت فلانری در سال ۱۹۶۷ م، جان اسپت در سال ۱۹۶۹ م. و ام. وی نین در سال ۱۹۷۲ م در آنجا به فعالیت‌های میدانی پرداختند. در این میان ولفرام کلایس

در سال ۱۹۷۳ م، ضمن بازدید از برخی بناهای مذهبی-اسلامی خرم آباد، گزارشی در این زمینه ارائه نمود. هنری رایت، جیمز نلی و گریگوری جانسون هم در سال ۱۹۷۵ م و جودیت برمن نیز در سال ۱۹۷۸ م گزارش‌هایی در مورد منطقه منتشر نمودند که متضمن اطلاعاتی درباره شهر شاپورخواست و دوره‌های ساسانی و اسلامی دره خرم آباد است؛ به همین دلیل، گزارش‌های ایشان مقدمه کار هیئت باستان‌شناسی میراث فرهنگی لرستان قرار گرفت. بررسی مقدماتی تپه چغاخندق در سال ۱۹۷۸ م به وسیله برمن نشان داد که اکثر محوطه‌ها در دره خرم آباد مربوط به دوره‌های اشکانی، ساسانی و اسلامی هستند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

مطالعه جغرافیای تاریخی شهر «شاپورخواست»، که پیشینه و بنیاد آن به دوره ساسانی می‌رسد، از چند جهت اهمیت دارد.

الف. با مطالعه این شهر که بر اساس نامش، یکی از شهرهای منسوب به شاپور ساسانی است، می‌توان به طور مستند، به برخی عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرهای ساسانی؛ به‌ویژه شهرهای منسوب به شاپور پی برد.

ب. از آنجا که شهر شاپورخواست، با همین نام تا قرن هشتم هجری قمری به حیات خود ادامه می‌دهد، با مطالعه آن می‌توان به جایگاه این شهر و تحولات آن پس از ورود اسلام به ایران دست یافت و اینکه چه عواملی موجب ارتقا یا تنزل این شهر در مقاطع گوناگون تاریخی و در نهایت افول آن و متقابلاً شکل‌گیری تدریجی شهر خرم آباد گردیده است.

۲- بحث

۲-۱- جغرافیای تاریخی منطقه در پیش از دوران اسلامی

دره خرم آباد، به سبب برخورداری از شرایط مناسب آب و هوایی یکی از مهم‌ترین کانون‌های زیست بشر و از نخستین سکونتگاه‌ها در دوران پیش از تاریخ به‌شمار می‌رود. قدیمی‌ترین آثاری که از دره خرم آباد به دست آمده، مربوط به دوره پارینه‌سنگی میانه است. غارهای مسکونی دره خرم آباد از جمله غارهای یافته،

پاسنگر، گنجی، گرانجنه واشکفت قمری، حاوی آثاری از دوره‌های پیش از تاریخ می‌باشند. به گفته فرانسوا هول، کوه‌های اطراف دره خرم‌آباد به صورت یک منبع ذخیره آب درآمده و در نتیجه برخلاف سایر دره‌های لرستان، دره خرم‌آباد دارای چشمه‌های آب خنک و تعدادی غار است (هول، ۱۳۵۲: ۱۷) و در نتیجه این شرایط اقلیمی، همواره از پیش از تاریخ مکان مناسبی جهت استقرار بوده است (Speth, Jaubert et Biglari, 2004: 110-124; 1971: 172-173).

در بسیاری از تپه‌های باستانی نیز، نشانه‌هایی از پایان دوره پارینه‌سنگی و پس از آن یافت شده است (کابلی، ۱۳۶۴). در بررسی‌های اخیر سازمان میراث فرهنگی لرستان، ۴۵ محوطه باستانی در دره خرم‌آباد توصیف و چینه‌های مربوط به پارینه‌سنگی تا روزگار صفویه در آنها شناسایی گردیده‌است؛ از جمله این محوطه‌ها می‌توان به تپه سئور (صبور)، چم قرق، تیر بازار ۱ و ۲، ماسور، چغاخندق، خیرآباد اشاره کرد (جوادی و همکار، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۶؛ نوروززاده چگینی، ۱۳۷۳: ۱۱۴-۹۷). اکثر این تپه‌ها دارای چندین دوره فرهنگی بوده که مبین طولانی بودن استقرار در آنها است. این خود نشان دهنده مساعد بودن شرایط زندگی در این منطقه از دوران پیش از تاریخ تا کنون است. در اکثر این محوطه‌ها، آثار مربوط به استقرار دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی که بی‌ارتباط با شهر شاپورخواست نمی‌تواند باشد، یافت شده‌اند؛ از جمله آنها تپه سئور است که می‌تواند تغییر یافته کلمه سائور و یا شاپور باشد (جوادی و همکار، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۹۴؛ سهرابی، ۱۳۸۶: ۷۴).

به هر حال خرم‌آباد در طول تاریخ، مورد توجه تمدن‌هایی مانند ایلامی‌ها، بابلی‌ها، کاسی‌ها و ساسانیان بوده است. تا قبل از دوره ساسانی، اطلاعات چندانی از وضعیت منطقه به دست نیامده است و همان‌طور که ذکر شد، تنها با کاوش‌های صورت گرفته در غارهای پیش از تاریخ و شناسایی و بررسی‌های سطحی تپه‌های باستانی دره خرم‌آباد به پیشینه استقرار در این منطقه دست یافته‌ایم (جوادی و همکار، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۹۴).

تاکنون نظر بر این بود که شهر خایدالو (هیدلو یا قایدالو) یکی از چهار شهر ایلامی، با منطقه خرم‌آباد مطابقت می‌کند (بیات، ۱۳۷۳: ۳۹۴؛ پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۳۰؛ سایکس، ۱۳۶۲: ۵۵؛ معین، ۱۳۵۶: ۴۷۴) و به‌خصوص مناطق جنوبی دره خرم‌آباد (دشت گُرگاه) با توصیفات جغرافیایی که از خایدالو در کتیبه‌های آشوری یاد شده، تطابق داده شده بود (ساک، ۱۳۴۳: ۹۸). مورگان در کتاب *مطالعات جغرافیایی می‌نویسد*: «در جنوب شهر خرم‌آباد، جلگه زیبایی است که در آن تپه‌های مصنوعی بزرگی است... من فکر می‌کنم با خایدالوی متون آشوری مطابقت کند. در آنجاست که احتمالاً شاه ایلام کدورنانونتا به آن گریخته و پناه جسته است» (مورگان، ۱۳۳۸: ۲۱۱). دکتر عزت‌الله نگهبان نیز، معتقد است که در کتیبه‌های آشوری به منطقه هیدالو که در کوه‌های زاگرس واقع گردیده، اشاره شده است (نگهبان، ۱۳۷۵: ۳۳۷). هنوز به‌طور دقیق نیز، مشخص نیست که آیا "هیدالو" با "خایدالو" یکی بوده یا خیر. شهر یاد شده به ایلامی، هیدلی یا هیدلو نام داشته و این دگرگونی و اشتباه که به نام خایدالو یا قایدالو معرفی شده، ناشی از عدم دقت در ترجمه متون فرنگی است. گذشته از این، ایلام‌شناسان، هیدلی (هیدلو) را همواره در سرزمین‌های شرق خوزستان و غرب فارس، به‌ویژه در منطقه دژ سپید ممسنی جستجو کرده و می‌کنند (دالوند، ۱۳۸۸: ۱۸)؛ حتی منطقه ارجان واقع در شمال بهبهان نیز، مکان احتمالی این شهر باستانی دانسته شده است (علیزاده، ۱۳۶۵: ۲۸۶)؛ اما تاکنون هیچ سند باستان‌شناسی در خصوص موقعیت دقیق شهر هیدالو یافت نشده است. به هر حال تا قبل از مطالعات دقیق باستان‌شناسی، نمی‌توان دره خرم‌آباد را مکان باستانی این شهر ایلامی دانست.

همچنین درباره موقعیت جغرافیایی دقیق جای نام سیماشکی مربوط به دوران ایلامی، بین محققان اتفاق نظر وجود ندارد و گروهی این موقعیت را در اطراف یا درون دشت خوزستان (Cameron, 1936: 43-66؛ Vallat, 1980: 20) و عده‌ای نیز، در کوه‌های لرستان در شمال خوزستان و به‌طور دقیق‌تر احتمالاً در خرم‌آباد امروزی دانسته‌اند (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۱۲ و ۱۳؛ Hinz, 1963: 12-13). مناطق دورتری نسبت به دشت شوشان و زاگرس مرکزی برای موقعیت سیماشکی

نیز، پیشنهاد شده است؛ اما به علت کثرت استقرارهای دوره ایلام در زاگرس مرکزی، موقعیت احتمالی آن، منطقه زاگرس مرکزی معرفی شده است (رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۷۵)؛ اما اینکه آیا منطقه خرم آباد با این جای نام تطابق داشته باشد، نیازمند مطالعات دقیق است و به طور قطع نمی توان خرم آباد را در جای آن معرفی کرد.

از سرنوشت شهر خرم آباد در دوره های ماد، هخامنشی و پارت ها اطلاع زیادی در دست نیست و کاوش های باستان شناسی می تواند روشن کننده وضعیت این منطقه در دوره های مذکور باشد. در بررسی های سال های اخیر، سازمان میراث فرهنگی، ۲۲ محوطه باستانی مربوط به روزگار اشکانی در دره خرم آباد شناسایی شده است (جوادی و همکار، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۶). همچنین آثار و یادمان هایی از این دوران در این منطقه بر جای مانده اند که مهم ترین آنها پرستشگاه مهری دره بوواس خرم آباد است (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۶۶).

نخستین آگاهی از شهر خرم آباد، مربوط به دوره ساسانی، زیر نام شهر شاپورخواست است؛ به طوری که شاپورخواست مذکور، در متون کهن اسلامی، به احتمال خرم آباد امروزی باشد. بنابر تقسیمات موسی خورنی، در زمان ساسانیان، محدوده لرستان جزء کوست خوربران یا ناحیه غرب بوده که وی از شهرهای مهم آن، مهرجان قذوق شاپورخواست را نام می برد (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۸۷). شاپورخواست همان طور که از متون کهن برمی آید، از شهرهای دوره ساسانی بوده که به احتمال به وسیله شاپور اول ساسانی بنا شده است.

۲-۲- جغرافیای تاریخی منطقه در دوران اسلامی

منطقه مورد مطالعه، تا پیش از قرن هشتم ه.ق، به نام شهر شاپورخواست در متون، معرفی شده است. از قرن هشتم ه.ق نام شهر شاپورخواست، از متون حذف و نام شهر خرم آباد ظاهر می شود. وجه تسمیه شاپورخواست، در ردیف نام شهرها این است که پادشاهان ساسانی به شهرهای جالب توجهی که سازنده آنها بوده اند، اطلاق می کرده اند مانند: به اردشیر، بیشاپور، به قباد و به خسرو (تیموری و همکار، ۱۳۸۶: ۹۴). با توجه به اینکه شهر شاپورخواست، در قرن ۴ ه.ق به اوج شکوفایی

خود می‌رسد، بررسی نام این شهر در متون کهن دوران اسلامی را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود.

۲-۲-۱- شاپورخواست در متون کهن سده‌های ۳ و ۴ ه.ق

همان‌طور که ذکر شد، شاپورخواست یکی از شهرهای مهم دوره ساسانی بوده است؛ ولی در دو قرن اولیه اسلامی، به دلایلی نامعلوم (شاید به علت عدم امنیت زندگی شهری یا بیماری زا بودن منطقه) از اهمیت شهری آن کاسته شده است. با گشوده شدن ایران و توجه مسلمانان به شمال شرقی ایران و پیدایش دو کانون سیاسی عراق و خراسان در تحولات سیاسی اجتماعی سده‌های نخستین اسلامی، دو شبکه ارتباطی ۱. عراق-خوزستان-فارس-ری-خراسان، ۲. عراق-کرمانشاه-همدان-ری-خراسان، رونق بیشتری یافت؛ از این رو جهانگردان و جغرافی‌نویسان، کمتر به لرستان توجه داشته و اطلاعات کمتری از چگونگی رونق شهرها و توسعه اقتصادی-اجتماعی این منطقه به دست آورده و ارایه نموده‌اند (دلوند، ۱۳۸۷: ۲۷). همچنان که مورخان اوایل این دوران؛ مانند قدامه بن جعفر، ابن خردادبه، یعقوبی و ابن رسته با آنکه از دیگر شهرهای پهلویان نام برده‌اند؛ اما اشاره‌ای به شهر شاپورخواست ننموده‌اند، که این خود دلیلی بر بی‌اهمیت بودن شاپورخواست در دو قرن اول اسلامی می‌تواند باشد.

قابل ذکر است که ابن خردادبه، از منطقه‌ای بنام سابرخواست نام برده و آن را از توابع آذربایجان دانسته و در ذکر شهرها و روستاهای ناحیه آذربایجان آورده: «مراغه و میانج و اردبیل و ورثان و سیسر و برزه و سابرخواست و تبریز که در دست محمد بن رواد آزدی است...» (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۹۷). وی در ادامه در توصیف راه دینور تا برزند می‌نویسد: «از دینور تا خبارجان هفت فرسخ، از خبارجان تا تل وان شش فرسخ، از تل وان تا سیسر هفت فرسخ، از سیسر تا اندراب چهار فرسخ، از اندراب تا بیلقان پنج فرسخ، از بیلقان تا برزه شش فرسخ، از برزه تا سابرخواست هشت فرسخ، از سابرخواست تا مراغه هفت فرسخ...» (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۹۷)؛ اما کهن‌ترین منبعی که نام شاپورخواست مورد بحث این مقاله در آن آمده، *البلدان* ابن فقیه (۲۹۰ ه.ق) است. وی چهار کلمه راجع به موقعیت شاپورخواست نوشته،

که متن آن چنین است: «... و بطن ماستر و هو شاپورخواست و ...» (ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۲۵). مکان یابی شهر شاپورخواست که در قرن سوم مورد توجه ابن فقیه قرار گرفته، منوط به یافتن «بطن ماستر» یا همان «شاپورخواست» است. «بطن» در عربی به معنای «زمین، دره و زمین گود» است و دره خرم آباد با وضعیت قیفی شکل خود می تواند همان «تل ماستر» باشد که ابن فقیه از آن یاد کرده است. با این حال، ابن فقیه در نام بردن شهرهای مهم جبل از ماسبدان، مهرجانقذق و صیمره یاد کرده؛ ولی نامی از شاپورخواست یا تل ماستر در ردیف شهرهای مهم نیآورده است. با توجه به اشاره وی به تل ماستر و بطن ماستر و نزدیکی و یا یکی بودن آنجا با شاپورخواست، اگر تل ماستر، تپه های امروزی ماسور در جنوب شهر خرم آباد باشد (جوادی و همکار، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۸)، باید گفت مراکز شهری و تمدنی دره خرم آباد از محدوده جنوب شرقی شهر خرم آباد به طرف دشت گُرگاه پراکنده بوده اند (دالوند، ۱۳۸۸: ۲۹).

حمزه اصفهانی (۳۶۰-۲۷۰ ه.ق) در ذکر اخبار پادشاهان ایران، ضمن بیان شهرهای ساخته شده به وسیله شاپور پسر اردشیر ساسانی، می نویسد: «... و شهرهایی نیز بنا کرد، از آن جمله است: نیشاپور، بیشاپور، شادشاپور، به از اندیوشاپور، شاپورخواست، بلاش شاپور و فیروز شاپور» (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۶). وی در ادامه، موقعیت این شهرها را به جز شاپورخواست و بلاش شاپور، شرح داده است. اصطخری (۳۴۰ ه.ق) نیز، در *المسالك و الممالک* در ذیل بخش «یاد کردن راهی که از همدان به خوزستان می رود» و ذکر مسافت آن، نام شاپورخواست را به صورت شاپرخاست آورده و موقعیت آن را روی نقشه ای از صورت دیار جبال مشخص کرده، می نویسد: «اول از همدان تا رود آور و از رود آور تا نهاوند هفت فرسنگ، و از نهاوند تا لاشرده فرسنگ و از لاشر تا شاپرخاست دوازده فرسنگ و از شاپرخاست تا لور، سی فرسنگ و درین مسافت هیچ شهر و دیه نیست و از لور تا شهر اندامش دو فرسنگ و از قنطره اندامش تا جندی سابور دو فرسنگ» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۰۳) (شکل ۱).

نویسنده ناشناس *حدود العالم* (۳۷۲ ه.ق) هم نام این شهر را ذیل عنوان ناحیت جبال «سخن اندر ناحیت جبال و شهرهای وی»، بعد از ذکر نام شهر نهاوند و لیشر آورده، می نویسد: «شاپورخواست {سارجلست}، جایی ... است» که بقیه آن از بین رفته است (مینورسکی، ۱۳۷۲: ۳۹۰). با توجه به این که شهرهای نهاوند و الشتر و شاپورخواست در مسیر راه باستانی همدان به خوزستان که مقدسی و اصطخری بدان اشاره کرده اند، واقع شده اند؛ به احتمال کلمه «سارجلست» تحریف کلمه «سابرخواست» است.

ابن حوقل (۳۶۷ ه.ق) نیز، به همین اندازه مسافت از نهاوند تا لاشر، ده فرسخ و از لاشر تا شاپورخواست، دوازده فرسخ اشاره کرده، که گفته های قبلی را تقویت می کند. وی در توضیح راه همدان به خوزستان می نویسد: «از همدان به رودراور هفت فرسخ است... و از رودراور تا نهاوند هفت فرسخ است و از نهاوند تا لاشر ده فرسخ و از لاشر تا شابرخواست، دوازده فرسخ و از آنجا تا لور سی فرسخ و در فاصله شابرخواست و لور شهری یا قریه ای نیست...» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۴). در نقشه ای که وی از *صورة الجبال* ترسیم کرده نیز، نام شابرخواست بین لاشر و اللور دیده می شود (شکل ۲).

البته مقدسی (۳۷۵ ه.ق) در *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، با توصیفی که از جاده های لرستان ارائه نموده، نکات مبهم مربوط به آن را تا حدی روشن کرده است. وی که این نام را به صورت «سایر خواس» آورده، به ترتیب از هشت منزلگاه به شرح زیر نام برده است: «از کرج^۱ گرفته تا وراونده^۲ یک مرحله، سپس تا دارقان^۳ یک مرحله، سپس تا خروذ^۴ یک مرحله، سپس تا سایر خواس یک مرحله، سپس تا کرکوش یک مرحله، سپس تا خانیک^۵ مرحله، سپس تا رزمانان یک مرحله، سپس تا لور یک مرحله است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۰۱-۶۰۰).

۲-۲-۲- شاپورخواست در متون سده های ۵ تا ۵۸۰ ق

در *مجملة التواریخ و القصص* (۵۲۰ ه.ق)، در ذکر پادشاهی شاپور اول آمده: «... در سیر الملوک چنان است که شاپور اردشیر بود و الله اعلم؛ اما همتی بزرگ داشت، اندر داد و انصاف و آبادانی عالم، برسان پدر و شاذروان شوستر او کرد

که عجایب عالمست و شهرها بسیار کرد چون شاپور و نیشابور، شادشاپور، بدانانندیوشاپور، شاپورخواست، بلاششاپور...» (مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۴۶ و ۶۳). ابن البلخی نیز، در *فارسنامه* (قرن ششم ه.ق) بنای شهر شاپورخواست را به شاپوربن اردشیر نسبت داده و به دنبال ذکر شهرهایی که به وسیله شاپور ساخته شده، آورده است: «... و اما آثار شاپور در عمارت جهان بسیار است و این شهرها او کرده است، بی شاپور...، بلاد شاپور...، شاپورخواست خوزستان، این شاپورخواست پهلوء الاشراس، جنیدشاپور خوزستان (اندیوشاپور) شادشاپور از میسان...» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۶۳).

ابن اثیر نیز، به تحت تصرف بدر^۵ بودن شهر و قلعه شاپورخواست اشاره می‌کند: «قلمرو بدر، شاپورخواست و دینور و بروجرد و نهاوند و اسدآباد و قطعه‌ای از اعمال اهواز بود و هرچه قلعه‌ها و ولایت در این حدود بود در تصرف او بود» (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۳۵۳؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۸۷۳).

یاقوت در کتاب *معجم البلدان* (۶۲۳ ه.ق) آورده: «سرمایه قلعه حصینه بین همدان و خوزستان فی الجبال کانت لبدر بن حسنویه الکردیه، صاحب سابورخواست و هی من احسن قلاع و اشدها امتناعا» و در خصوص نام قلعه سابورخواست نوشته است: «دز بز اسم قلعه مدینه سابورخواست و منها اخذ فخرالملک ابو غالب اموال بدر بن حسنویه المشهوره» (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۶۷). یاقوت در *برگزیده مشترک* چنین می‌نویسد: «شاپورخواست شهر و دژ بنامی است در کوه‌های لر از همدان و خوزستان» (یاقوت حموی، ۱۳۶۲: ۱۰۹).

در *تاریخ جهان‌گشای جوینی* (۶۵۸ ه.ق) در شرح حرکت سلطان جلال‌الدین به جانب بغداد چنین نوشته شده است: «در اوایل شهور سنه احدی و عشرين و ستمایه عزیمت کرد تا به جانب تستر (شوشتر) رود و زمستان آنجا مقام سازد... و چون سلطان به شاپورخواست رسید و شاپورخواست شهری بزرگ بودست، مشهور و معروف و ذکر آن در تواریخ مسطور، رسمی بیش نمانده، مدت یک ماه آنجا مقام ساخت. امرای لور به خدمت او آمدند، چون مراکب قوی شدند بر راه بغداد روان شد...» (جوینی، ۱۳۸۷: ۴۹۲).

در *مراصدالاطلاع فی اسماء الامکنه و البقاع*، که «کشف الظنون»، مؤلف آن را صفی‌الدین عبدالؤمن بغدادی (۶۵۸-۷۳۹) می‌داند (طبری، ۱۳۷۲، ۳۶۸)، درباره شاپورخواست نوشته شده، که نام شهری است از ولایتی واقع در بین خوزستان و اصفهان، در بیست فرسنگی نهاوند و شهر لورین این شهر و خوزستان است (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۹).

حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* (۷۴۰ ه.ق) در ذکر مسافت طرق بغداد به نهاوند و سپس به اصفهان می‌نویسد: «... از شهر بروجرد تا حسن آباد (خیاباد، جناباد) چهار فرسنگ، راه شاپورخواست (شاپور خاص) درین مرحله به دست راست بماند؛ ازو تا میان رودان هشت فرسنگ، ازو تا منار سه فرسنگ، ازو تا شهر کرج شش فرسنگ، ازو تا دون سون چهار فرسنگ، ازو تا آسن پنج فرسنگ، ازو تا سنگان شش فرسنگ، ازین مرحله راهی دیگر به دست راست به اصفهان رود» (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ ب: ۱۷۱ و ۱۷۲). مستوفی در ذکر شهرهای آباد لر کوچک می‌نویسد: «و از شهرهای آنجا سه معمور است، بروجرد و خرم‌آباد و شاپورخواست و آن در اول شهری بود و از هر جنس مردم بسیار در آنجا بودند و به غایت معمور و آباد و تختگاه پادشاهان، و اکنون قصبه‌است» (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ الف: ۶۵). مستوفی که این مطالب را در قرن ۸ ه.ق بیان کرده و از خرم‌آباد به همراه شاپورخواست در زمرة شهرهای معمور لر کوچک نام می‌برد، معلوم می‌شود که در آن زمان شاپورخواست کاملاً متروک نشده و جای خود را به خرم‌آباد نداده بود؛ بلکه همچنان از رونق نسبی برخوردار بوده؛ ولی به صورت قصبه‌ای کوچک در آمده بوده؛ چنانکه وی در جمله بعدی خود اذعان دارد که «در اوایل شهری بود ... و اکنون قصبه است».

همان‌طور که ذکر شد، ابن بلخی در *فارسنامه* که در قرن ششم ه.ق نگاشته، از شاپورخواست تحت عنوان «کوره» نام برده است که معادل «استان» فارسی و «احازه» عربی است که بعد از آن طسوج (ناحیه)، رستاق و سرانجام قریه قرار می‌گیرند. دو قرن بعد، مستوفی اشاره دارد که شاپورخواست در ابتدا شهری بود و اکنون قصبه است. در یک تقسیم‌بندی، قصبه بعد از ولایت و بلوک و قبل از قریه

و در تقسیم‌بندی دیگری پس از خوره، ناحیه، مصر و روستا، قرار گرفته و پس از قصبه، به ترتیب مدینه، شهرک و قریه قرار گرفته‌اند (لرزاده، ۱۳۸۷: ۱۲). از گفته‌های ابن بلخی و مستوفی و با توجه به این تقسیم‌بندی‌ها، می‌توان این گونه استنباط کرد که شاپورخواست تا قرون پنجم و ششم ه.ق منطقه‌ای مهم و وسیع بوده و پس از آن به تدریج از رونق افتاده و کوچک شده است. در تاریخ ابن خلدون نیز آمده: «اقطاع بنی برسق الشتر (متن: الامسیر) و شاپورخواست بود و جز آن دو، سرزمین‌های میان اهواز و همدان بود» (ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۷۴).

۲-۳- شواهد و بقایای باستان‌شناختی مرتبط با شهر شاپورخواست

از رونق و اعتبار این شهر در زمان ساسانی اطلاعاتی نداریم؛ ولی کیفیت آثار برجای مانده و ذکر نام آن در بسیاری از متون کهن، خود نشانه بزرگی و اهمیت آن در دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی است. موقعیت استقرار شاپورخواست، هم از لحاظ راهبرد نظامی و بهره‌گیری از عوارض طبیعی و جغرافیایی و هم از جهت موقعیت ارتباطی، قابل مقایسه با شهر ساسانی بیشاپور است. موقعیت استقرار شهر بیشاپور، به صورت چهارراهی در گذرگاه تاریخ بر سر راه شرق به غرب (تخت جمشید و استخر به شوش در زمان هخامنشی و فیروزآباد و بیشاپور به تیسفون در زمان ساسانی) و همچنین بر سر راه تجاری و ارتباطی خلیج فارس، اهمیت ویژه‌ای داشته است. محل استقرار شاپورخواست نیز، بر سر راه‌های شرق به غرب و شمال به جنوب با بیشاپور قابل قیاس است. از منظر موقعیت طبیعی، بیشاپور در دامنه ارتفاعات شاپور و رودخانه آن و شاپورخواست نیز، در مجاورت ارتفاعات زاگرس و رودخانه خرم‌آباد قرار گرفته است (تیموری و همکار، ۱۳۸۶: ۹۵؛ سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۰). خرابه‌های شاپورخواست تا قبل از انقلاب که ساخت و ساز چندانی در جنوب و جنوب شرقی شهر خرم‌آباد انجام نگرفته بود، مشهود بود؛ اما با ساخت و سازهای شهری، آثار مذکور به زیر شهر کنونی خرم‌آباد رفته و اکنون در زیر محله قاضی‌آباد و حوالی مناره آجری در جنوب و جنوب شرق خرم‌آباد قرار گرفته‌اند (شکل ۳).

در دهه پنجاه هجری شمسی، محله قاضی آباد، بنیاد نهاده شد و بر روی آثار شهر شاپورخواست احداث گردید؛ اما در عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش بقایای شهر و سیستم آبرسانی آن را می‌توان مشاهده کرد. همچنان‌که بارون دوید که در سال ۱۲۵۷ ه.ق از خرم‌آباد دیدن کرده، به وجود این خرابه‌ها در اطراف مناره آجری اشاره کرده است (دوید، ۱۳۷۱: ۴۰۰). این محل با فواصلی که جغرافی‌نویسان ذکر کرده‌اند نیز، مطابقت دارد (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۶۸).

چنانکه بیان شد اصطخری و ابن حوقل، فاصله نهند تا الشتر را ده فرسنگ، الشتر تا شاپورخواست را دوازده فرسنگ و از آنجا تا لور را سی فرسنگ ذکر کرده‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۰۳؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۴). در پژوهشی هم که تحت عنوان «بررسی راه شاهی» در سال ۱۳۷۵ به انجام رسید، مسیرهای مورد اشاره مورخان و جغرافیانگاران مورد بررسی قرار گرفت که مسیر نهند به الشتر از طریق نورآباد و معبر دره آش، فاصله‌ای در حدود ۶۰ کیلومتر؛ یعنی همان ده فرسنگ بود و بین الشتر تا خرم‌آباد نیز، حدود ۵۰ کیلومتر است و اگر به این مسیر طول شهر خرم‌آباد را اضافه کنیم باز این مسیر به ۶۵ کیلومتر می‌رسد که حدود ۱۱ فرسنگ است؛ البته شهر قدیم الشتر نیز، در ۶ کیلومتری شمال شهر فعلی الشتر؛ یعنی نزدیک سراب امیر واقع بوده است که با احتساب آن موقعیت شهر شاپورخواست را می‌توان حول و حوش مناره آجری، سنگ‌نوشته و منطقه قاضی آباد تا پشته حسین آباد در جنوب شرق خرم‌آباد دانست (سجادی و همکار، ۱۳۸۲: ۱۰ و ۱۱؛ ایزدپناه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۱) (شکل ۴).

از بقایای مرتبط با این شهر می‌توان، آسیاب گبری، مناری از دوره آل بویه و سنگ نوشته را نام برد. پیش از توسعه شهر به جانب جنوب و جنوب شرقی در قبل از انقلاب، بقایایی از جمله بقایای یک دیوار سنگی در منطقه قاضی آباد وجود داشت که با توسعه شهری از میان رفت (شکل ۵).

همچنین نزدیک مناره آجری، ستونی سنگی کشف شد که روی آن نوشته شده بود: بر که لصاحبه (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۱۹) (شکل ۶).

در اطراف آسیاب گبری نیز، سفال‌هایی با لعاب یکرنگ شفاف و یکرنگ مات یافت شد که به نظر می‌رسد هشت قطعه آنها مربوط به قرون ۴ و ۵ ه.ق می‌باشند (جوادی و همکار، ۱۳۷۹، ج ۱: ۷۴).

با اینکه شاپورخواست در دو قرن اولیه اسلامی چندان اهمیت و رونقی نداشته؛ اما در سده‌های ۴ و ۵ ه.ق (۴۰۵-۳۶۹ ه.ق)، یعنی طی دوره آل‌بویه و حکمرانی بدرین حسنویه که مقرر حکومت واقع می‌شود، توسعه و اوج می‌یابد. این اهمیت را شواهد زیر به اثبات می‌رساند:

الف. درج نام ضرابخانه شاپورخواست بر روی سکه‌های مکشوف از جنوب خرم‌آباد، دلالت بر وجود ضرابخانه در این شهر می‌نماید (پورغلام و همکار، ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۱؛ پرویز، ۱۳۸۰: ۴۱؛ قوچانی، ۱۳۷۳: ۶۵-۴۶) (شکل‌های ۷ و ۸).

ب. کتیبه یافت شده از بررسی‌های منطقه جنوب شرق خرم‌آباد، متعلق به سال ۳۷۵ ه.ق که به دستور بدرین حسنویه نوشته شده (شکل ۹)، مبین اهتمام وی به امور عمرانی و آبرسانی برای این شهر بوده است (Blair, 1992: 51) و احتمالاً ساخت گرداب سنگی واقع در شمال غربی شهر خرم‌آباد (شکل ۱۰) در زمان وی به اثبات می‌رسد.

این بنا ممکن است از نظر دوره ساخت متعلق به بدرین حسنویه باشد که شاپورخواست را به عنوان قصر حکومتی خود اختصاص داد؛ چرا که منابع تاریخی، مانند ابوشجاع رودراوری نیز، بیان می‌دارند که بدرین حسنویه مبالغ زیادی را برای ساخت آبنبارها صرف می‌نموده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۱؛ Blair, 1992: 49-51)؛ حتی پناهنده شدن بسیاری از شاهزادگان بویه و وزرا به دربار بدر، در این شهر و همچنین نگهداری اموال و خزائن سلطنتی بدر در قلعه شاپورخواست (ابن‌اثیر، ۱۳۵۱: ۹۹؛ یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱۰۵) مبین اهمیت آن در این دوران است. این توجه وافر بدرین حسنویه به شاپورخواست، باعث افزایش اعتبار و اهمیت آن و در نتیجه پررنگ شدن نام این شهر در کتب جغرافیایی و تاریخی به‌خصوص از این قرن به بعد شده است (Stein, 1969: 273). شهر مذکور

در دوره سلاجقه نیز، از شهرهای مهم و معتبر محسوب می‌شده و نام آن به کرات در بسیاری از کتب دوره سلجوقی آمده است (بنداری اصفهانی، ۲۵۳۶: ۲۰۱).

مهم‌ترین مدرک باستان‌شناختی در مکان‌یابی شهر شاپورخواست، کتیبه سنگی مربوط به این دوره است که هرتسفلد در سال ۱۹۲۸ م. آن را مطرح کرد (شکل ۱۱) و ضمن قرائت آن نوشت: «مهم این است که این کتیبه، مکان او؛ یعنی شهر خرم‌آباد را چندین بار با نام شابرخواست که به معنای سد شاپور معروف است، ذکر کرده که موقعیت مطمئنی را برای مکان‌یابی جغرافیایی تاریخی منطقه به ما می‌دهد» (Herzfeld, 1929: 75). کتیبه مذکور که در شرق خرم‌آباد در کنار خیابان شریعتی بر سر راه خوزستان به خرم‌آباد واقع شده، به خط کوفی و زبان فارسی، دورتادور یک مکعب سنگی نوشته شده است. مضمون کتیبه، اشاره به نوعی خراج دارد که از کوچروها اخذ می‌شده است (جوادی و همکار، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۳۳)؛ البته متن این کتیبه؛ باید مورد بازخوانی مجدد قرار گیرد. به هر صورت متن کتیبه مذکور، به دلیل وجود نام شابرخواست بر روی آن اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که می‌تواند در مکان‌یابی این شهر مؤثر واقع شود (شکل ۱۲).

در دوره خوارزمشاهیان، هنوز شاپورخواست شهری بزرگ و معتبر بوده که ذکر آن در تاریخ جهانگشای جوینی آمده است؛ هرچند که رونق پیشین خود را نداشته است.

با اینکه تاکنون مطالعه دقیقی در مورد شهر شاپورخواست قدیم به انجام نرسیده است؛ ولی کشفیات اتفاقی، شهری متعلق به دوره ساسانی و صدر اسلام تا قرون هفتم و هشتم ه.ق را مشخص می‌کند؛ از جمله این یافته‌ها، بقایای آثار معماری در منطقه قاضی‌آباد و کشف خمره‌های بزرگ در منطقه پشته حسین‌آباد در جنوب شرقی خرم‌آباد است، که قدمت آن را به دوره تاریخی مرتبط می‌سازد (سجادی و همکار، ۱۳۸۲: ۹). همچنین با کاوش‌هایی که در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در اطراف پامنا خرم‌آباد، به وسیله سازمان میراث فرهنگی لرستان انجام شد، آثاری متعلق به اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی، به دست آمد که بی‌ارتباط با شهر شاپورخواست نمی‌تواند باشد (گزارش کاوش پامنا خرم‌آباد، ۱۳۸۹).

مناطق جنوبی و جنوب شرقی خرم آباد، از لحاظ سکونت در دوران‌های گذشته اهمیت فراوان داشته است. وجود محوطه‌های باستانی چشمگیر در دشت جنوبی دره خرم آباد، حاکی از استقرار جمعیت‌های متعددی است که فرهنگ‌های متعددی را در خود جای داده است. هم اکنون نیز، آبادی‌های این منطقه به میزان قابل توجهی بیش از سایر مناطق است.

مهم‌ترین محوطه‌های ساسانی دره خرم آباد، تپه‌های ماسور، صبور (سنور) در جنوب دره خرم آباد و معماری صخره‌ای تپه کلاته کیو واقع در شمال غربی دره، می‌باشند که با بررسی و کاوش می‌توان ارتباطی بین آنها و شاپورخواست ساسانی یافت. با آنکه نام صبور می‌تواند تغییر یافته سنور، سائور و یا شاپور باشد؛ اما تپه صبور در حدی نیست که بتوان آن را بقایای یک شهر دانست. تپه ماسور، یکی از بزرگ‌ترین تپه‌های واقع در جنوب دره خرم آباد بر سر راه خرم آباد به پل دختر می‌باشد. با اینکه گزارش کاوش‌بخشی از این تپه که در سال ۱۳۶۳ به وسیله میرعبیدین کابلی انجام شد، منتشر نشد؛ اما با کشف آثاری از دوران ساسانی و اوایل اسلامی و با ادامه بررسی و کاوش در آن در سال‌های آتی، احتمال ارتباط زیاد این تپه با شهر شاپورخواست بیشتر مشخص می‌گردد؛ با وجود اینکه این تپه، فاقد شواهد معماری شهری متعلق به دوره ساسانی و صدر اسلام است (سجادی و همکار، ۱۳۸۲: ۱۱).

با این حال عوامل متعددی در شکل‌گیری شهر شاپورخواست مؤثر بوده‌اند که از جمله آنها عبارتند از: شرایط زیست‌محیطی مناسب، واقع شدن در مسیر شریان‌های ارتباطی و وجود دژی که می‌توانسته امنیت آن را تأمین نماید (دژ فلک‌الافلاک). همین عوامل در شکل‌گیری شهر جدید خرم آباد در شمال غرب آن نیز، مؤثر بوده است.

به‌طور دقیق معلوم نیست در چه سالی و به چه علت، شهر خالی از سکنه و ویران شده است؛ اما ذکر نام آن در تاریخ‌نگریه مستوفی، تحت عنوان یکی از شهرهای لر کوچک، نشان دهنده سکونت و بقای این شهر تا این دوره بوده است و اینکه تا قرون هفتم و هشتم هجری قمری موقعیت اداری و ایالتی خود را حفظ کرده بود؛ اما با مراجعه به کتب قرون ۸ه.ق به بعد مانند *ظفرنامه*، دیگر نامی از

شاپورخواست دیده نمی‌شود و خرم‌آباد جایگزین آن شده است؛ البته شاید قبلاً هم خرم‌آباد به عنوان یکی از قصبات شاپورخواست مطرح بوده و در قرون ۷ و ۸ ه.ق پس از آنکه شاپورخواست از رونق می‌افتد، مرکزیت یافته است. به هر حال به علل نامعلومی (احتمالاً عوامل طبیعی و جغرافیایی)، شاپورخواست از رونق می‌افتد و جای خود را به شهر خرم‌آباد می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۴: ۲۰۰). با اینکه کاوش‌های باستان‌شناسی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده برای شناسایی دقیق شهر شاپورخواست انجام نگرفته‌اند و آنچه در دست داریم گزارش‌های مختصری از بررسی‌های مقدماتی و کاوش‌های محدودی است که در منطقه انجام شده‌اند؛ اما با توجه به بررسی متون کهن و آنچه که از بقایای باستان‌شناسی در جنوب شرق خرم‌آباد به دست آمده و ذکر آنها رفت، می‌توان منطقه را تا قرون ۷ و ۸ ه.ق زیر نام شهر شاپورخواست در نظر گرفت.

عبدالحسین نهچیری در جغرافیای تاریخی شهرها آورده: «برخی فکر می‌کنند شاپورخواست، نام قدیم شهر خرم‌آباد است. این موضوع کاملاً اشتباه است. زیرا جغرافی‌نویسان قدیم در کتاب‌های خود از خرم‌آباد و شاپورخواست به‌طور جداگانه نام برده‌اند، منتهی قدمت شاپورخواست از خرم‌آباد بسیار بیشتر است. شاپورخواست در جنوب بروجرد فعلی قرار داشت و راهی که از نهاوند به اصفهان می‌رفت از این شهر عبور می‌کرد» (نهچیری، ۱۳۷۰: ۲۷۴). لسترنج نیز، با استناد به متن مستوفی در تاریخ‌گزیده که شاپورخواست و خرم‌آباد را با هم ذکر کرده، این دو شهر را جدا از هم دانسته و شاپورخواست را مکان فعلی خرم‌آباد نمی‌داند (لسترنج، ۳۷: ۲۱۶) و حتی در نقشه‌ترسیمی خود، دو شهر خرم‌آباد و شاپورخواست را به فاصله حدود ۳۵ کیلومتر ترسیم کرده است که صحیح نیست. گفته‌های نهچیری و لسترنج را می‌توان چنین تفسیر کرد؛ نخست اینکه منابع بسیار محدودی، مانند مستوفی، شاپورخواست و خرم‌آباد را با هم ذکر کرده‌اند که با تکیه بر چند منبع محدود نمی‌توان بدین نتیجه رسید. از طرف دیگر بر فرض صحت مطالب ذکر شده به وسیله مستوفی، احتمالاً در آن زمان، شاپورخواست در حال متروک شدن و خرم‌آباد در حال شکل گرفتن تدریجی بوده‌اند؛ زیرا که

شاپورخواست به یک‌باره متروک نشده و شاید هم خرم‌آباد قصبه‌ای در نزدیکی آن بوده که به تدریج با از دست رفتن مرکزیت شاپورخواست، اهمیت و مرکزیت یافته است. مؤید این امر، اظهار مستوفی است مبنی بر اینکه شاپورخواست زمانی آباد و بزرگ بوده و در زمان وی، رو به ویرانی نهاده و به صورت شهر کوچک و ساده‌ای درآمده. در تاریخ جهانگشای جوینی نیز، آمده که «شاپورخواست شهری بزرگ بوده است مشهور و معروف و ذکر آن در تواریخ رسمی بیش نماند» (جوینی، ۱۳۸۷: ۴۹۲). بنابراین شاپورخواست تا قرن ۸ ه.ق موجودیت داشته؛ اما در این قرن، دوران ویرانی و بی‌رونقی خود را می‌گذرانیده است؛ همچنان که مستوفی ذکر کرده که اکنون قصبه است. به هر حال اسناد و مدارک باستان‌شناختی تا حدودی دلالت می‌کند که شاپورخواست در زیر شهر خرم‌آباد امروزی است. بنابراین با اتکا به منابع محدود نمی‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که شاپورخواست در جایی غیر از منطقه خرم‌آباد بوده است.

۳- نتیجه‌گیری

همان‌طور که از متون کهن برمی‌آید و به مدد کاوش‌های باستان‌شناختی مختصری که در سطح منطقه به انجام رسیده، مهم‌ترین منطقه‌ای که می‌توان شهر شاپورخواست را در آن مکان‌یابی کرد، شهر خرم‌آباد است. با استناد به این متون و آثار مختصر باستان‌شناختی در دره خرم‌آباد، پیش از شکل‌گیری شهر امروزی در قرون میانه اسلامی (احتمالاً قرن ۶ یا ۷ ه.ق)، شهر شاپورخواست موجودیت داشته که از شهرهای مهم دوره ساسانی و هشت قرن اولیه اسلامی به خصوص قرن ۴ ه.ق بوده؛ اما به دلایل نامعلوم متروک و شهری جدید در جوار قلعه فلک-الافلاک و رودخانه خرم‌آباد موجودیت می‌یابد. شاید خرم‌آباد به عنوان یکی از قصبات شاپورخواست، قبل از قرن هفتم ه.ق حیات داشته و پس از متروک شدن شاپورخواست، گسترش یافته و جایگزین آن گردیده است. اگر این فرض درست باشد، شهر امروزی خرم‌آباد به دنبال متروک شدن تدریجی شهر شاپورخواست که از قرن هشتم ه.ق دیگر نامی از آن در متون کهن دیده نمی‌شود، شکل گرفته است.

از نتایج این تحقیق در مکان‌یابی شهر شاپورخواست، حاکی است که آن شهر در جنوب شهر امروزی خرم‌آباد بوده است؛ زیرا این مکان با فواصل و موقعیتی که در متون کهن اوایل دوران اسلامی ذکر گردیده، مطابقت دارد. از طرف دیگر، بقایای باستان‌شناختی مکشوف از منطقه و آثاری که استقرارهای دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی در تپه‌های جنوبی دره خرم‌آباد را به اثبات رسانید نیز، این فرض را تقویت می‌کند. نام این شهر، ابتدا در کتب قرن ۳ ه.ق ظاهر شده است و اینکه قبل از آن در متون کهن، اشاره‌ای بدان نشده، حاکی از بی‌اهمیت بودن آن در دو قرن اولیه اسلامی است. امادر قرن ۴ ه.ق به دلیل واقع شدن به عنوان مرکز حکومتی سلسله آل‌حسنویه و به‌خصوص وجود قلعه فلک‌الافلاک به عنوان مقر حکومتی و خزانه این سلسله، بیشتر مورد توجه جغرافی‌نویسان و تاریخ‌نگاران دوران اسلامی قرار گرفت.

یادداشت‌ها

۱. منظور کرج ابودلف که خرابه‌های آن در آستانه شازند بین اراک و بروجرد قرار دارد.
۲. احتمالاً مکانی در دشت سیلاخور بروجرد.
۳. احتمالاً واقع در رازان زاغه.
۴. دشت هرو که دو بخش زاغه و چغلوندی را در بر می‌گیرد.
۵. بدرین حسنویه از حکام کرد که نیمه دوم سده چهارم ه.ق تا سال ۵۰۶ ه.ق بر قسمتی از لرستان حکومت می‌کرد.
۶. اولین شخصی که موفق شد شاپورخواست را در محل کنونی خرم‌آباد مکان‌یابی کند، سر هنری راولینسون در سال ۱۸۳۶ م. بود.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، (۱۳۵۱)، **التامل فی التاریخ**، ترجمه علی هاشمی حائری، ج ۱۵، تهران: علمی.
۲. ابن بلخی، (۱۳۶۳)، **فارسنامه**، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج و زینولد آلن نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
۳. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل، (۱۳۴۵)، **صوره‌الارض**، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۴. ابن خردادبه، ابوالقاسم عیبدالله بن عبدالله، (۱۳۷۰)، **المسالک و الممالک**، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: نشر نو.
۵. ابن خلدون، (۱۳۸۳)، **العبر تاریخ ابن خلدون**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، (۱۳۴۹)، **مختصر البلدان**، ترجمه ح مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۷. اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۷۳)، **ممالک و مسالک**، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۸. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۶۷)، **تاریخ منتظم ناصری**، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
۹. ایزدپناه، حمید، (۱۳۷۶)، **آثار باستانی و تاریخی لرستان**، ج ۱ و ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۰. بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح بن علی، (۲۵۳۶)، **تاریخ سلسله سلجوقی (زبده- النصره و نخبه العصر)**، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۱. بیات، عزیزالله، (۱۳۷۳)، **کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۲. پرویز، احمد، (۱۳۸۰)، **پل و تحول آن در قلمرو ابوالنجم بدرین حسویه (قرن چهارم هجری)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران (منتشر نشده).
۱۳. پورغلام، معصومه و ناهید خاکباز، (۱۳۷۶)، «**سکه‌های ضرب شاپورخواست**»، شقایق، سال اول، شماره ۳ و ۴، ۱۲۶-۱۲۱.
۱۴. پیرنیا، حسن، (۱۳۷۴)، **ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم**، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
۱۵. تیموری، محمود و علی اکبر سرفراز، (۱۳۸۶)، «**سازمان فضایی شهر ساسانی پیشاپور**»، باغ نظر، سال چهارم، ۱۰۲-۹۱.
۱۶. جعفری، عباس، (بی تا)، **شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران**، تهران: گیئاشناسی.
۱۷. جوادی، محمدرضا و ویدا نوروزبرازجانی، (۱۳۷۹)، **شناسایی مقدماتی تپه‌ها و معرفی غارهای دره خرم‌آباد**، ج ۱ و ۲، خرم‌آباد: گزارش‌های مرکز اسناد میراث فرهنگی لرستان (منتشر نشده).
۱۸. جوینی، عطاء ملک بن محمد، (۱۳۸۷)، **تاریخ جهانگشای جوینی**، به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: هرمس.

۱۹. حمزه اصفهانی، حمزه بن الحسن، (۱۳۶۷)، **تاریخ پیامبران و شاهان (تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء)**، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
۲۰. دالوند، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، **تاریخ و معماری دژ شاپورخواست (قلعه فلک-الافلاک)**، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
۲۱. دوید، کلیمت آگوستوس بارون، (۱۳۷۱)، **سفرنامه لرستان و خوزستان**، ترجمه محمد حسین آریا لرستانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. رشیدیان، هدایت الله، (۱۳۸۱)، **خرم آباد در گذر جغرافیای انسانی**، خرم آباد: افلاک.
۲۳. رفیعی علوی علویجه، بابک، (۱۳۸۶)، **سنجش میزان گسترش حوزه ایلام کهن ۱۹۰۰-۱۶۰۰ پیش از میلاد**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران (منتشر نشده).
۲۴. ساکی، علی محمد، (۱۳۴۳)، **جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان**، خرم آباد: محمدی.
۲۵. سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۲)، **تاریخ ایران**، ترجمه محمد تقی فخرداعی گیلانی، ج ۱، تهران: علی اکبر علمی.
۲۶. سجادی، علی و علیرضا فرزین، (۱۳۸۲)، **قلعه فلک-الافلاک (دژ شاپورخواست)**، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۷. سجادی، علی، (۱۳۸۴)، «**عنصر خشت در دژ شاپورخواست (قلعه فلک-الافلاک)**»، مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۹۷-۲۲۸.
۲۸. سرفراز، علی اکبر، (۱۳۶۶)، «**بیشاپور**»، *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، به کوشش یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۹. سهرابی، محمد، (۱۳۸۶)، **شهر و شهرنشینی در ایران (جامعه‌شناسی شهری)**، خرم آباد: شاپورخواست.
۳۰. عزیزاده، عباس، (۱۳۶۵)، «**آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو(اواخر قرن ۸ ق.م) در ارجان نزدیک بهبهان**»، *اثر*، ترجمه رسول وطن دوست، شماره ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۲۹۳-۲۶۵.
۳۱. قاسمی، فرید، (۱۳۸۲)، **تاریخ خرم آباد**، خرم آباد: افلاک.
۳۲. قوچانی، عبدالله، (۱۳۷۳)، «**قلمرو حکومت ابوالنجم بدر بن حسنویه به استناد سکه‌ها**»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال هشتم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۶، ۴۶-۶۵.
۳۳. کابلی، میرعابدین، (۱۳۶۴)، **بررسی محوطه باستانی شیخ حیدر واقع در شرق خرم-آباد**، ش ۱۲، مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی (گزارش منتشر نشده).

۳۴. گزارش کاوش پامنار خرم آباد، (۱۳۸۹)، خرم آباد: سازمان میراث فرهنگی استان لرستان (منتشر نشده).
۳۵. لرزاده، زهرا، (۱۳۸۷)، باستان‌شناسی پهنه فرهنگی: مورد مطالعاتی پهنه فرهنگی توس در دوران اسلامی (قرن دوم تا سیزدهم هجری قمری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران (منتشر نشده).
۳۶. لیسترنج، گای، (۱۳۳۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۷. مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳)، ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
۳۸. مجمل‌التواریخ و القصص، (۱۳۱۸)، به تصحیح ملک الشعرا بهار و به همت محمد رضائی، تهران: کلاله خاور.
۳۹. مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۶)، تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۰. مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۶۲ الف)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
۴۱. مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۶۲ ب)، نزهة القلوب، به سعی و اهتمام گای لیسترنج، تهران: دنیای کتاب.
۴۲. معین، محمد، (۱۳۵۶)، فرهنگ فارسی، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
۴۳. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی، بخش دوم، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۴۴. مورگان، ژاک ژان ماری دو، (۱۳۳۸)، هیئت علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیایی (جغرافیای غرب ایران)، ترجمه کاظم ودیعی، ج ۲، تبریز: چهر.
۴۵. مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ، (۱۳۷۲)، تعلیقات بر حدود العالم من المشرق الی المغرب، ترجمه میرحسین شاه، با مقدمه و بار تولد، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران: دانشگاه الزهرا.
۴۶. نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۵)، شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴۷. نوروززاده چگینی، ناصر، (۱۳۷۳)، «هیئت هلمز، نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی در لرستان»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفتم، شماره ۱ و ۲، ۱۱۴-۹۷.
۴۸. نهجیری، عبدالحسین، (۱۳۷۰)، جغرافیای تاریخی شهرها، تهران: مدرسه.
۴۹. هول، فرانک، (۱۳۵۲)، دوره پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران، «لرستان»، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، خرم‌آباد: اداره فرهنگ و هنر استان لرستان.

۵۰. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت ابن عبدالله، (۱۳۶۲)، **برگزیده مشترک یاقوت حموی**، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: امیر کبیر.
۵۱. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت ابن عبدالله، (۱۳۸۳)، **معجم البلدان**، ترجمه دکتر علینقی منزوی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
52. Blair, S., (1992). *The monumental inscriptions from early Islamic Iran and Transoxiana*, Brill-Leiden, New York.
53. Cameron, G., (1936). *History of early Iran*, The University of Chicago Press, Chicago and London.
54. Stein, S. A., (1969). *Old routes of western Iran*, Ed. Andrews, Fred H. , Greenwood Press, New York.
55. Herzfeld, E., (1929). «Bericht über archäologische Beobachtungen im südlichen Kurdistan und in Iuristan», *AMI*, vol.1, pp. 65-75.
56. Hinz, W., (1963). «Persia, C.2400- 1800 B.C», *The Cambridge Ancient History*, Revised Edition of volumes I & II, Cambridge University Press.
57. Jaubert, j. et Biglari, F., (2004). «Paléolithique Supérieur Ancien: Yafteh (Khorramabad)», *Mission Archeologique française en IRAN*, Tehran, S.I, pp. 110-124.
58. Speth, j., (1971). «Kunji cave», *IRAN*, vol.9, pp. 172-176.
59. Vallat, F., (1980). *Suse et l'Elam. (Recherches sur les grandes civilisations - Études Élamites, Mémoire no.1)*, Éd. A.D.P.F, Paris.

منابع اینترنتی:

۱. تصویر ماهواره‌ای گوگل ارث، www.google.com.